

پی یر کلاوس وفسکی



مارکی

شور

ترجمہ

پیمان غلامی

سرشناسه: کلو سوفسکی، پیر، ۱۹۰۵-۲۰۰۱ م.

Klossowski, Pierre

عنوان و نام پدیدآور: مارکی شرور / پیر کلو سوفسکی؛ ترجمه‌ی پیر غلام

مشخصات نشر: تهران، نشر چشمه، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۸۳ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۲۳۱-۵

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: The villain marquis

موضوع: نام ناشر اول: بنگار، ۱۳۹۱

موضوع: ساد، مارکی دو، ۱۸۱۴-۱۷۴۰ م. -- نقد و تفسیر

موضوع: Sade, Marquis de -- Criticism and interpretation

موضوع: نویسندگان فرانسوی -- قرن ۱۸ م. -- نقد و تفسیر

موضوع: فلسفه در ادبیات

شناسه‌ی افزوده: غلامی، پیمان، ۱۳۶۵، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ م ۹ / PIR ۸۰۹۸

رده‌بندی دیویی: ۸۱ / ۶۲

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۰۲۱۸۶۹



cheshmehpublication



telegram.me/cheshmehpublication
www.cheshmeh.ir

رده‌بندی نشر چشمه: فلسفه

مارکی شرور
پی‌یر کلو سو فسنکی
پیمان غلامی

ویراستار چاپ اول: امیر احمدی آریان
ویراستار چاپ دوم: زهره اکسیری

مدیر هنری: مجید عباسی
چاپ و صحافی: دارا
تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ اول: چشمه (چاپ دوم کتاب): زمستان ۱۳۹۶، تهران
ناظر فنی چاپ: یوسف امیرگیان
ن چاپ: انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.
هرگور جاس و: عاده از اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

شابک ۹۷۸-۶۰۰ ۲۲۹۰۱ ۲۱-۵

نشر چشمه:

تهران، کارگر شمالی، تقاطع... راه شهید گمناه کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲.
تلفن: ۸۳۳۳۶۰۰

کتاب‌فروشی نشر چشمه:

تهران، خیابان کریم‌خان زند، نبش مهر... شیراز، شمال... ۱۰۷.
تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی کوروش:

تهران، بزرگراه ستاری شمال، نبش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری... ط... ی پنج، واحد ۴.
تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی آرن:

تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرزادزی، نرسیده به بزرگراه نیاپاش، خیابان حافظی، نبش... ط... ح... ۴.
مجتمع تجاری آرن، طبقه‌ی ۲.
تلفن: ۷۵۹۳۵۴۵۵

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی بابل:

بابل، خیابان شریعتی، روبه‌روی شیرینی‌سرای بابل.
تلفن: ۰۱۱) ۳۲۴۷۶۵۷۱

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی پریس:

تهران، پاسداران، نبش گلستان یکم، مجتمع پریس، طبقه‌ی ۲.
تلفن: ۹۱۰۰۱۳۵۸

فهرست

۹		کوتاه از چاپ دوم
۱۱		یادداشت مترجم
۲۳		ساد، یا فیلسوف - شرور
۵۹		فلسفه‌ای نابودگر

یادداشت مترجم

یک. پی.یر کتر (فرانس، ۲۰۰۱-لهستان، ۱۹۰۵) چهره‌ای شناخته‌شده در فضای تفکر فارسی نیست. بی تاکنون هیچ اثری به فارسی ترجمه نشده و این کتاب اولین تجربه در نوع خود است. کلومفسکی نویسنده، مترجم و هنرمندی است که در راه پرورش اندیشه، ریسوا به «انسوی» نقشی حیاتی ایفا کرده است. بخشی مهم از اندیشه‌ی آلمانی هم چون نوشتارهای نیچه، هایدگر، کافکا، بنیامین، ویتگنشتاین، هولدرلین، ریلکه، کای، ویریل و بسیاری دیگر به واسطه‌ی ترجمه‌های کلومفسکی به اندیشه‌ی فرانسوی وارد شده‌اند. او در کنار ژرژ باتای و آندره مسون در گروه مخفی آسفال^۱ نیز فعال بود و در همان کتاب رالتسر بنیامین در جلسات کالج جامعه‌شناسی باتای و دوستان همراهش شرکت می‌کرد. و به همین خاطر نام او را پیش از همه در کنار باتای می‌توان دید. کلومفسکی در اواخر دهه‌ی سی میلادی مقالات متعددی درباره‌ی «بدن نیچه، دیونیزوس، خانه‌ها و فرازونشیب‌های شدت در کار نیچه» نوشت و آن‌ها را در مجلات زیرزمینی گروه مخفی آسفال منتشر کرد؛ همان مقالاتی که بعدها به بنیان‌های اساسی یکی از مهم‌ترین کتاب‌های موجود درباره‌ی نیچه بدل شدند، نیچه و دور باطل^۲، اثری که

1. acéphale

2. Nietzsche et le cercle vicieux (Paris: Mercure de France, 1969).

با بازسازی واقعی هستی‌شناسی شدت در اندیشه و زندگی نیچه به دلوز و گتاری در ضدآدیدپ و به لیونار در اقتصاد لیبدویی یاری فراوانی رساند.

کلوسوفسکی دو کتاب بسیار مهم دارد که خصوصاً دلوز از آن‌ها بسیار تأثیر گرفته است؛ یکی درباره‌ی فلسفه‌ی مارکی دو ساد به نام همسایه‌ام ساد^۱ و دیگری درباره‌ی مفهوم «بازگشت ابدی در آرای نیچه» در کتابی به نام نیچه و دور باطل. دلوز و بلاشوبارها اشاره کرده‌اند که چندوچون مفهوم «بازگشت ابدی» در تفکر نیچه را به خطه‌ی مطالعه‌ی این کتاب دریافته‌اند. فوکو نیز پس از انتشار این کتاب در نامه‌ای به کلوسوفسکی نیچه و دور باطل را برجسته‌ترین اثر فلسفی می‌داند که به احتساب آثار خود نیچه اگر نخوانده است. از طرف دیگر، مفهوم «ضامن هنجارگذار»، که بعدترها^۲ راز را می‌برد، در کتاب همسایه‌ام ساد به تفصیل بسط یافته است. این مفهوم و مقاله‌ی مرتبه ۱ یا آن یکی از مقالات این کتاب را تشکیل می‌دهد. با این حال، کلوسوفسکی را به گونه‌ی دیگری می‌شناسند: از یک‌سو، به عنوان داستان‌نویس، و از سوی دیگر در مقام نقاش (او رنخا را ده‌ای نقاش است: برادر کلوسوفسکی، که به بالتوس شناخته می‌شود، از نقاشان مهم فرانسه است)، که در هر دو سویه به شدت از ساد تأثیر پذیرفته و آثار اروتیکش پایانی نه‌ستار ساد، منطق نامنطق^۳ «سریچی بی‌قصدونیت اما شدتمند» را از سر گذرانده‌اند.

دو جغرافیای این کتاب را دو مقاله‌ی بلند تشکیل می‌دهد. مقاله‌ی اول از کتاب همسایه‌ام ساد انتخاب شده است. کتابی که شامل مجموعه مقالات بلند کلوسوفسکی و مجموعه مطالعات او درباره‌ی ساد طی سی و چهار سال است. در این مقاله کلوسوفسکی، با برقراری تقابلی میان «فلسوف - شرور» و «فلسوف - شریف»، و نیز با در نظرگیری وضعیت عمومیت و تکنیکی در زیست سادی، در تلاش است تا «نازیان»^۴ سریچی‌کننده و ضد هنجارین تجربه‌ی سادی را از

1. *Sade mon prochain* preceded by *Le philosophe sodomite* (Paris: Seuil, 1947).

2. non-language

درون زبان قاعده‌مند و لوگوس‌محور نظام‌های انضباطی بدن و اندیشه بیرون بکشد. تجربه‌ی سادی، بنابر نظر کلوسوفسکی، از عقلانیتی غریب بهره می‌برد اما علیه هر نوع علیت و عقلانیت مدرن می‌شورد و خواستار جوشش و آشوب جهان با تکیه بر خواست‌گرایی است. در زمان ساد آن‌چه وجود داشت «زبان منطقاً ساختار یافته‌ی سنت کلاسیک» بود که زبان نوشتاری ساد و تجربه‌ی سادی را به سوی کسب لذت در متن با واسطه‌ای به نام نوشتار و روایت تصویری نوشتار سوق داد. سبک ساد از این نقطه در می‌گذرد.

ماله‌ی مهم دوم، بر آتمنیستی‌سازی معنا و ضدیت میان انسان پرهیزکار و انسان برآمده از تجربه‌ی بدی تأکید دارد و از شرارت طبیعت به صورت تباهی، فساد، گنبدیگی، روت و مگس‌سخن می‌گوید. این مقاله بیشتر شبیه به مکالمه‌ای است سرشار از ضدیت میان امر ساد و رکتیو انسان آتمنیست و امر ایزکتیو انسان ته‌نیست با تکیه بر خلق و خو (tics)، اخلاق (morality) و وضعیت خدا در میانه‌ی این دو. کلوسوفسکی سرپیچی را وصفتی متدام در تجربه‌ی سادی می‌داند که مقوله‌های انحرافی را به روی فرد سرپیچی‌کننده باز می‌کند. در نتیجه هر سرپیچی و هر تجربه‌ی سادی - یا همان شرارت - تخریب را در پی خود دارد و تخریب را به تخریب نیز خود نتیجه‌ی میل‌ورزی به انحرافات است. بدین ترتیب ساد به نحوی شهریارانه، و به زعم نیچه آری‌گویانه، سیطره‌ی میل و اراده‌اش در قلمرو بدن و ذهن و موقعیت‌های ماتریالیستی را با تکیه بر سرپیچی مدام از امور هنجارگذار لوگوس‌محور بنیان می‌نهد؛ شر سادی رویارویی طبیعت و درون آن. آن‌چه کار ساد را برجسته می‌کند درهم‌آمیزی کنش و تجربه‌ی اوست، چرا که این شهریار و تجربه‌ی سادی را به‌وضوح می‌توانیم هم در داستان‌ها، رمان‌ها و نقاشی‌هایش و هم در وضعیت زیستی‌اش، و دست‌آخر هم در سبک نوشتارش ردیابی کنیم. ساد عملاً نوع خاصی از تجربه‌گرایی را پیشنهاد می‌دهد.

سه. مطالعه‌ی آثار ساد و سوسه‌ای دیرپاست. این و سوسه تقریباً اکثر چهره‌های

مهم اندیشه‌ی غربی را به خود مشغول کرده است. فروید، باتای، کلو سوفسکی، دُلوز، بلانشو، دوبوآر، لکان، فوکو، بارت، دوبور، آدورنو، لیوتار، هورکهایمر، برتون، اشتیرنر، اینسگ، وایس و گالوپ از جمله چهره‌های احتمالاً مهم‌تری هستند که مقالات یا کتاب‌هایی را به ساد (و گاه در کنارش مازوخ) اختصاص داده‌اند. اهمیت ساد برای تفکر غربی با مقاله‌ی بسیار مهم باتای به نام «ارزش مصرفی مارکی دو ساد»^۱ گسترش بیشتری پیدا کرد. باتای در این مقاله در تحلیلی ضدسیستمی و با استفاده از مفاهیم مازاد / فزونی، دفع و مالکیت، یا به کمک دگرشناسی (علم شناسایی کارکردهای عناصر دیگرگون، متفاوت و فزون‌خواه) یا مدفع‌شناسی، تلاش می‌کند شبانیت و خشونت سادیستی را در مقام «عنصر برساننده‌ی زیست بدن»^۲ در نظر گیرد که خود بر ساخته‌ای است از عناصر پست‌تر بدن و ممنوعات مرتبط با آن همچون شهوانیت و ساختار دفع مدفع در بدن، طوری که رانه‌های دفع مالکیت را در فضا راه می‌اندازند؛ باتای این عناصر برساننده را در کار ساد دیگرگونگی‌ها مازاد / فزون‌خواه از نظر باتای، آنچه در کار ساد اهمیت فراوان دارد مادیت اسراف‌گر، ضد مالکیت و برساننده‌ی موجود در آثار اوست که عمیقاً با همین مناطق پست و ممنوع در ارتباط هستند و هرگونه سطح همگون را مخدوش می‌کنند. این «پست‌نمایی» در نظر باتای - به تعبیری - اساس تمامی آثارش را شکل می‌دهد و تقریباً تمامی مفاهیم منسوب به تفکر ساد (از جمله قربانی‌گری، سرپیچی، اسراف‌کاری، پسماند، امر مازاد و غیره) از آن پیش‌گرفته‌اند. بعدتر در دهشت‌های قدرت: جستاری بر پست‌نمایی^۳ اثر ژولیا کریستوا^۴ مژده بررسی دقیق‌تری قرار می‌گیرد. علاوه بر باتای، بلانشو نیز در لو تر آمون و ساد^۵ کتاب متفاوتی از ساد به دست می‌دهد، و کلو سوفسکی در همسایه‌ام ساد او را با مقولاتی چون اخلاق، خدا، ضمانت‌دهنده‌ی هنجارین، فانتاسم، وانموده و سرپیچی در معرض

1. Bataille, Georges, "The Use Value of D.A.F. de Sade"; *Visions of Excess: Selected Writings (1927-1939)*.

2. Kristeva, Julia; *Powers of Horror, An Essay on Abjection*, Columbia University Press, New York (1982).

3. Blanchot, Maurice; *Lautréamont and Sade* (1949).

خوانشی چندباره و جالب توجه قرار می‌دهد. دُلوز با به کارگیری منحصر به فرد ادبیاتِ ساد و مازوخ، آن‌ها را در کتاب سردی و متفاوت^۱ بر مبنای جفت‌های «نهاد (ساد) و برنامه (مازوخ)» و «کاربرد و فانتاسم» بررسی می‌کند. به زعم دُلوز «ساد و مازوخ پیکربندی‌های بی‌همتای سمپتوم‌ها و نشانه‌ها را عرضه می‌کنند. چه ساد و مازوخ بیمار باشند، چه متخصصان بالینی و چه هر دو، انسان‌شناسان برجسته‌ای هستند، طوری که کارشان فهم تام و تمام انسان، فرهنگ و طبیعت است. آن‌ها هنر «ان» برجسته‌ای نیز هستند، از این حیث که فرم‌های جدیدی از بیان، شیوه‌های نوینِ بر تفکر و احساس، و زبانی کاملاً اصیل را کشف کردند.»^۲ موج مطالعاتِ سادی تا کتاب آبا ب... ساد را بسوزانیم^۳ اثر دوبووار نیز پیش می‌رود. دوبووار در این کتاب ساد را بر مبنای ادبیستانسیالیسم تجربه‌ی سادی واکاوی می‌کند و معتقد به دخالتِ تخریب‌گرانه، منجر به سادی در برآشوبناکی قهرآمیز زیستِ ماست که منجر به تأیید حاکمیت شهریاران و بر طبیعت و زمین می‌شود. مشکل بزرگ دوبووار این است که همچنان در سرگشته‌انگیزیِ نیرو و شر باقی می‌ماند و در نمی‌یابد که برای ساد هیچ خیری در کار نیست که شر بخاهد از جانب او در برابر خیر نمایندگی شود. خود ساد سرتاسر جهان را جدال در میان شر و ساد می‌داند: شر سادی در برابر او در کنار شرِ طبیعت طوری که صفت «سادی» به آن شخص که با آزار رساندن لذت می‌برد، بلکه به خصیصه‌ای رفتاری درون نهاد شر، کالکتیویته، در قلعه‌ی لاکوسته و نمایش‌های تئاتری، اجراگرانه، آزمون‌گرانه و عاطفی‌اش اشاره دارد. از دیگر قرائت‌های مهم ساد، زندگی و آثارش در اندیشه‌ی غرب، که بی‌شک است از بارت به نام ساد، فوریه، لویولا^۴ که اهمیت متفاوتی به ساد و آثارش می‌بخشد. حتی بسیاری از مفاهیم اندیشه‌ی آنارشیست‌های هگلی از جمله اشتیرنر

۱. دُلوز، سردی و متفاوت (فره‌ی زلتو - مائخ)، ترجمه‌ی پویا غلامی، تهران: انتشارات بن

2. ibid.

۳. سیمون دوبووار، آبا باید ساد را بسوزانیم؟، ترجمه‌ی امین قضاوی، نشر مایندموتور، ۱۳۸۷.

4. Barthes, Roland; Sade, Fourier, Loyola, Translated by Richard Miller, New York (1976).

— آن گونه که در کتاب اگو و آن چه از اوست^۱ می خوانیم — و نیز بسیاری از مفاهیم روان کاوی فروید — آن گونه که در تحلیل های دوبووار می بینیم — برآمده از کار ساد هستند. حتا فرانکفورتی هایی همچون آدورنو و هورکهایمر نیز در یکی از مهم ترین کتاب های شان یعنی دیالکتیک روشنگری^۲ بخش عظیمی از تکانه های متنی شان را وام دار ساد و آثارش هستند. گی دوبور، نظریه پرداز معروف موقعیت گرایان، نیز در دفاع از ساد و تجربه ی سادی فیلمی تجربی ساخت به نام زوزه هایی در دفاع از ساد^۳ که با ممنوعیت های زیادی در سینماهای فرانسه همراه شد. از دیگر کتاب های بسیار مهمی که به ساد و نوشته ها و اندیشه اش پرداخته اند می توان به کتاب های ادبانت^۴ سر نو^۵ تهی ژرژ باتای و نیز زن سادی و ایدنولوژی پورنوگرافی^۶ نوشته ی آنجلا کارتر اشاره کرد. باتای در تنها مصاحبه ی تلویزیونی اش با پیر دومیه درباره ی ادبیات و شریک^۷ به نظرم دو نوع متضاد از شر وجود دارد. اولی با ضرورت فعالیت انسانی مرتبط است، که کامیاب است و شامل نتایج مطلوب، و دیگری شامل تخلف تعمدی از رخی تارهای بنیادی می شود، مثلاً تابو مخالفت با قتل یا مخالفت با برخی امکان های جنسی^۸. باب حسن نیز در مقاله ای بسیار خواندنی با عنوان «ساد: زندانی آگاهی»^۹، ساد را زندانی فرایندهای شناختش می خواند و لیرتین بودن شهویارانه ی ساد را دلیل اصلی ایدیت او می داند. اما مطالعات خوانش ها و تجربه های مرتبط با زندگی و آثار ساد محدود به کتاب ها یا مقالات یادشده نیست و حتا گسترش ضدکاپیتالیستی این جنبه و تجربه و وضعیتی گلوگیر به وجود آورده است به نحوی که در دوران پس از مرگ ساد حتا فاکتور تاریخی و تبلیغی بر آثار یک نویسنده به او تعلق داشت. از یاد نبریم، زندانیان زنانه شارنتون نزدیک به سی و دو سال از عمرش را در مخوف ترین زندان های فرانسه گذراند و

۱. ماکس اشتیورنر، اگو و آن چه از اوست؛ در هگل های چول، ترجمه ی فرینون فاطمی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۲۳، صص ۲۷۰-۳۳۹.

۲. تئودور آدورنو و ماکس هورکهایمر، دیالکتیک روشنگری، ترجمه ی مراد فرهادپور و امید مهرگان تهران، گلام نو، ۱۳۸۳.

3. Debord, Guy, *Hulements en faveur de Sade* (1952).

4. Bataille, Georges, *Literature and Evil*, Translated Alastair Hamilton, New York (1985).

5. Carter, Angela, *The Sadeian Woman and the Ideology of Pornography*, New York (1979).

۶. ایجاب حسن، «ساد: زندانی آگاهی»، ترجمه ی سیاروش سرتیپی، فصلنامه ی شهزاد شماره ی ۱، پاییز ۷۷، چاپ آلمان، بازشر در «دولت».

زمانی از جمله‌ی «شورترین جانوران» دانسته می‌شد و حیاتش برای «جوامع انسانی» خطرناک، به گونه‌ای که دستگاه‌های نظارتی و تئیهی دورانش، همچون پلیس دولتی و کلیسا، بیش از ده جلد از دست‌نوشته‌ها و خاطره‌نویسی‌های تصویری - روایی او را سوزاندند، تفکرش را ممنوع و خوانش آثارش را حتا تا دهه‌ی پنجاه میلادی قدغن اعلام کردند. همین جانور هولناک جامعه، اندکی پس از انقلاب کبیر فرانسه، در روندی معکوس از زندان آزاد شد و نام بخشی از طبقه‌ی لیبرترین‌هایش را به خود گرفت؛ اما این آزادی چندان به درازا نکشید چرا که هر جامعه‌ای همواره عناصر سازنده، دیگرگون، متفاوت و زنده‌اش را می‌کشد و دفن می‌کند و قطعاً ساد نیز از این موقیعت مأیوس بود؛ او دوباره راهی زندان می‌شود تا دهشتناک‌ترین تخیلی واقعی بشر را از نو بنویسد.

چهار. شاید مهم‌ترین سؤال این باشد: پی‌یر کلو سوفسکی در کتاب همسایه‌ام ساد به کجا وصل می‌شود؟ به نیرنگ‌های دارد، یا قرائت کلو سوفسکی از ساد، زندگی و آثارش چگونه‌اند؟ کلو سوفسکی شرح می‌دهد که ارتباط میان «همسایه» - چه بسا ممنوع - و «خدا» به شکلی صریح و اجده ضوابط متافیزیکی است. او می‌کوشد نشان دهد که برای ساد انکار خدا به معنای انکار همسایه و در نتیجه به معنای انکار خود است؛ چرا که خدا ضامن «نبودن» «دیگری» است. از این رو به زعم کلو سوفسکی آن چه تمام زیست و آثار ساد را دربر می‌گیرد تلاشی مدام است برای فرونشانی همزمان این سه مفهوم. به زعم وی، انسان برساخته‌ی تجربه‌ی سادی، می‌تواند «دیگری» را تنها به شرط نابودی «خود» نابارد کند، چرا که اگر «دیگری» برای من «هیچ» است، من نیز برای «دیگری» هیچ هستم. به واقع برای ساد، چنان که بعدترها دلوز نیز از آن سود می‌جوید، انکار قطعی خدا در مقام ضامن هنجارگذار، بدین معناست که خود فرد انکارکننده به واقع به دنبال خدا می‌گردد. صورت‌بندی باتای / کلو سوفسکی چنین است: اگر خدا بمیرد،

خود نیز می‌میرد، و دوستی ممکن می‌شود. دُلوز در کنفرانسِ نیچه، اکنون؟ که با حضور چهره‌های مهمی همچون کلوسوفسکی، فوکو، لیوتار و دریدا برگزار شده بود درباره‌ی این ایده‌ی مهم در کار کلوسوفسکی می‌گوید «آقای کلوسوفسکی گفت که مرگِ خدا، خدای مُرده، خود را از تنها ضامنِ هویتش، و نیز از پایه‌ی جوهری وحدتش محروم می‌کند: با خدای مُرده، خود فسخ می‌شود و بر باد می‌رود اما به شیوه‌ای مشخص، و خودش را به روی همه‌ی خودها، نقش‌ها و خصوصیت‌های دیگری می‌گشاید که باید در رشته‌ای همچون رخدادهای تصادفی بسیار زیاد موردِ دیده شده باشند.»^۱ «فیلسوف - شرور» گسترش و برابری است از زدو خورد میان انسجام و - انسجام در تجربه‌ی سادی، که با ایده‌ی کلوسوفسکی مبنی بر ضدیت میان «آتنیسم عقلانی» و «آتنیسم یکپارچه» تقویت می‌شود. «آتنیسم عقلانی» به سرّهی یکپارچه و اگوی مسئولیت‌پذیر عقل هنجارگذار اشاره دارد، و «آتنیسم یکپارچه» شامل هیولاوشی و لاویشی یکپارچه است که با عدم تبعیت از کارکردهای زندگی تقویت می‌شود. در میان تمام شخصیت‌های آثار ساد «ژولیت» کسی است که بنابر نظر کلوسوفسکی «آتنیسم را در تمام مدت تا تأیید یکپارچه‌اش به دوش می‌کشد... و اندیشه را به صورتی - برخاسته - در فضای تجربی هیولاوشی، رها می‌کند.» فراپیر - مازور در خوانشی جالب توجه بر کتاب کلوسوفسکی می‌نویسد «اگر ساد از دادن یک صورت‌بندی مفهومی مثبت از لذت عاجز می‌ماند، در عوض کلوسوفسکی است که این وضعیت را به خاطر ضرورت تعلیت بخشیدن به تخطی بررسی می‌کند: در تخطی آنچه مورد تخطی قرار می‌گیرد حفظ می‌شود تا به عنوان تقویتی برای سرپیچی عرضه شود؛ این وضعیت مورد بحث جوهری سادیسم را شکل می‌دهد.»^۲ به زعم کلوسوفسکی «این وضعیت آشکارا به سیستم فلسفی ساد برمی‌گردد و آن را از محتوای کم‌مایه‌ی سادیستی‌اش خالی می‌کند؛

۱. ژیل دُلوز، یک زندگی... ترجمه‌ی پیمان غلامی و ایمان گنجی، تهران: زلوش، ۱۳۹۲، صص ۱۲۸ - ۱۳۶ و ص ۱۴۶.

2. Frappier-Mazur, Lucienne, *Eighteenth-Century Studies*, Vol. 26, No. 1 (Autumn, 1992), pp. 160-165.

نوعی استراتژی که صراحتاً متعلق به آگاهی روشنگرانه‌ی ساد است. «در واقع «میان زبان عقلانی هنجارها و نابهنجاری، نوعی خاصیت اُسمزی—یا نفوذ و اثر متقابل— وجود دارد که ساد به تنهایی می‌تواند آن را نابود کند.» کلو سوفسکی به هیچ عنوان ساد و تجربه‌ی سادی را به نوشتار صرف یا تجربه‌ی زیسته‌ی صرف تقلیل نمی‌دهد و دقیقاً همین وجه کار کلو سوفسکی است که قرائت او از ساد را رهایی بخش می‌کند. به باور کلو سوفسکی، کنش‌های خاص لیبرترین به واسطه‌ی تصریحی که بری از عاطفه را احساس است، در سطح نوشتار بازسازی می‌شوند: کنش انجام نمی‌شود، بلکه، نحوی کنش گرانه توصیف می‌شود. در ادامه، «تصریح بی عاطفه»، در مقام نوعی تکرار فاند احداث، از سرگیری، تأکید، ابرام یا حتا بازگویی سرد، به فرایندی بدل می‌شود که حضور و گسترش «نازبان درون زبان» را توجیه می‌کند. زبان هیچ‌گاه از فعلیت به‌شدن به‌طی بازنمی‌ایستد و این خود می‌تواند به عنوان گونه‌ای «تکرار» در مقوله‌ی «تصریح بی عاطفه» نیز در نظر گرفته شود، تا این تکرار با چفت شدن عنصر حفظ‌شده در ریچو (یعنی فزونی) به تولید تفاوت راه بزد؛ تکرار فرایندهای سادی تفاوت ناب خود را نسبت را نشان می‌دهند و حاکی از یک فرمول ساده‌اند: همان پیشاپیش در غیر حضور دارد. نکا همان تفاوت است. «من من وقتی به اوی او می‌رسد ما را می‌بینیم.» کلو سوفسکی بی عاطفگی سادی را در مقام تمرینی زاهدانه در نظر می‌گیرد که به واسطه‌اش لیبرترین به بی‌دوشی یکپارچه دست می‌یابد. بی عاطفگی وضعیت نهایی گسست از تمامی تجربه‌های احساسی و رسیدن به نوعی سردی است؛ در این وضعیت لذت‌های جسمانی نیز مدنظر هستند و به واسطه‌اش عاملیت تجربه‌ی سادی تنها گونه‌ای ریاضت‌کشی در جنایت و شهوت است. بدن بی عاطفه‌ی ساد در نهایت مایل است لذت را به وسیله‌ی تقلیل «حسن‌پذیری» افزایش دهد و در نتیجه، وقفه‌ای را در لذتش موجب نشود و آن را به تعویق نیندازد. حال آیا می‌توان گفت ساد تفاوت بین لذت و میل را در نمی‌یابد؟ بنابر ماتریالیسم ساد، سه وضعیت خاص بدن ما یعنی احساسات، حسن‌پذیری‌ها

واشتیاقات همگی منحصر به ساخت یافتن فیزیکی مان، نسبت خارج با این ساختمان/سرشت، و کارِ ما روی بدن مان بستگی دارند. بدین ترتیب، کلوسوفسکی جنبه‌ی مهمی از اندیشه‌ی سادی را بر مبنای «ماتریالیسم همنواخت ساد»، «تجربه‌گرایی اخلاقی» و «آتمنیسم یکپارچه» بیرون می‌کشد. در خصوص زنان، کلوسوفسکی می‌گوید تصویر کاذب فالوس محوری بی‌حد و حصر در رمان‌های ساد را توضیح دهد. بر طبق عقل سنتی، «هیولای منحرفِ زنانه نابهنجار نیست؛ او تنها به دنبال طبیعت خودش در حرکت است.» گفتار سادی یعنی مقولاتی چون بی‌عاطفگی، آتمنیسم یکپارچه و هیولالوشی گاه بر این تصور کلیشه‌ای صحه می‌گذارند؛ اما عقلانیت زنانه را، هم ساد و هم کلوسوفسکی متمایل و مرتبط و حتا هم‌دست با قهرمان‌های زن رمان‌های ساد می‌دانند. با این حال، برای ساد، انسان منحرف بدنش را در مقام و در جای تجربه می‌کند که واقعاً با خودش بیگانه است. او بدن دیگری را بسیار بیشتر از تجربه‌ی وجود، خودش از بدنش لمس و احساس می‌کند. او گاه حتا با عدم تبعیت از کارکردهای بدن را معین می‌کنند نیز بیگانه است. بدین معنا، زنان با زنان همواره هم‌دستی خواهند کرد. چنانچه طبیعت‌شان چنین اقتضایی دارد. زنان، منحرف یا نابهنجار نیستند بلکه منجرِ طبیعت آن‌ها با آشوب و جوشش طبیعت هم‌دل و همراه است؛ نابهنجاری زنان نزد ساد همان هنجار آن‌هاست.

پنج. در تمامی قرائت‌های متفاوتی که از ساد شده است هر اندیشمند تنها به آن جنبه‌هایی از ساد پرداخته که گویی قرار است «س-او» را تعریف کند و با این همه بسیار جالب است که چنین طیف گسترده‌ای در فلسفه و ادبیات، ساد، زندگی، آثار و اندیشه‌اش را مورد خوانش‌هایی چندباره، چندگانه و متغایر قرار داده‌اند و نشان داده‌اند که یا سودای پیمان بستن با نهادهای ساد و قوانین منحصر به فرد آن را دارند یا می‌خواهند قلعه‌ی لاکومسته را مورد بازسازی مفهومی قرار دهند. اتفاقات در جنایت‌های سادی در سطح نهادها به هیچ تولیدی منجر نمی‌شوند و به زبان کلوسوفسکی در این کتاب، در صدد نابودی نژاد/نوع بشر هستند. به یک معنا،

گرچه ساد همچنان لذت را به میل پیوند می‌زند، اما از حیث تاریخی و اجتماعی فرایندهای رهایی‌بخش را پی می‌گیرد یا تولید می‌کند. ساد حتا در سطح زبانی نیز تمنایی ندارد: ماشین‌های ضدتولیدی ساد در نوشتار در صدد تولید نازبان درون زبان هستند؛ زبانی بیگانه با «زبان ساختاریافته‌ی سنت کلاسیک» که با قواعد همین زبان درونش حفر می‌شوند. ساد ضدتولیدی چه بسا سطحی اسکیز و فرن باشد که عیاشی‌ها و سرپیچی‌هایش دیگر در قید دیالکتیک قانون / تخطی و تعالی لذت در می‌روند. رزونانندگاری میل نیستند: اول این که، اعمال سادی نه بر مبنای قانون (محدودیت بر کنش) بلکه بر مبنای نهاد (الگوی کنش) پیش می‌روند، و ثانیاً تجربه‌ی سادی به خرداگاهی منجر نمی‌شود؛ او هر آینه خود را به مرزهای هستی، به آشوب طبیعت، آوارها و سرحداتش در می‌اندازد و با سرعت نور از تجربه‌ای به تجربه‌ی دیگر گذر می‌کند.

شش. کلوسوفسکی فوانسوزین است. کتاب حاضر براساس ترجمه‌ی انگلیسی آلفونسولینگیس - فیلسوف و قوم‌نگار معاصر - آماده شده است. تمامی پانویس‌های شماره‌دار (فارسی و انگلیسی) از مترجم فارسی و دوپانویس ستاره‌دار از نویسنده‌اند. لازم می‌دانم از همراهی نوشین شاهنده، و به‌ویژه، از استاد شنجی تشکر کنم. هر یک به نحوی در مراحل مختلف کار - ویرایش و تطبیق - به افزایش دقت این پروژه یاری رساندند. از امیر احمدی آریان هم ممنونم که از ابتدا تا انتها همکاری و همراهی صمیمانه‌ای داشت.